

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و غُز بر امنیت غذایی فلات ایران (در قرن پنجم هجری)

محسن مؤمنی

استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

m.momeni@urmia.ac.ir

آمنه فرهنگ دیزج (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

۹۳۰۴۸۱۰۳۰history@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۲ - صفحه ۳۹۱-۳۶۳
تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۶

چکیده

ورود ترکمانان سلجوقی به قلمرو غزنویان در اوایل قرن پنجم هجری قمری سرآغاز تحولات مهمی در فلات ایران بود. ترکان سلجوقی که به هنگام ورود به قلمرو غزنویان ساختاری ایلی داشتند و این در حالی بود که خراسان، به عنوان دروازه ورود آنان به قلمرو غزنویان، ساختاری یکجانشین و ترکیبی از روستا و شهر بود. تازه واردان به خراسان و بعدها قلمروهای غربی تر به لحاظ اعتقادی و مذهبی مسلمان بودند؛ اما در کنار ورود این عناصر ایلی، مهاجرت گسترده‌ای از قبایل ترکمان را شاهد هستیم. شیوه معیشت و گذران زندگی این قبایل ترکمان چالش‌هایی را برای جمعیت یکجانشین این مناطق به دنبال داشت. پژوهش حاضر با تکیه بر داده‌ها و گزارش‌های تاریخی در این دوران به دنبال تحلیل و بررسی وضعیت امنیت غذایی قبل و بعد از ورود ترکمانان سلجوقی به فلات ایران می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، ترکمانان سلجوقی و قبایلی که همراه آنان در این مهاجرت بودند با اقدامات منفی که در ابتدا آن‌ها مرتکب شدند نه تنها امنیت کلی بلکه امنیت غذایی را تهدید کردند. به دنبال از بین رفتن امنیت، مشکلات متعدد دیگری گریبان گیر مردم ایالات مختلف شد. پژوهش حاضر با روش و رویکرد توصیفی - تحلیلی با طرح این پرسش که چه عواملی بر امنیت غذایی مردم در دوره سلجوقیان تأثیرگذار بوده است؟ سعی دارد به بررسی امنیت غذایی، نوع خوراک و محصولات متنوع مناطق مختلف بپردازد.

واژگان کلیدی: ترکمانان سلجوقی، جنگ، امنیت، غذا، شهر، روستا.

مقدمه

سرزمین ایران مهاجرت اقوام زیادی را به خود دیده است، سلجوقیان نیز یکی از این اقوام بودند که با مهاجرت خود، تحولات وسیعی را به ثبت رسانده‌اند. آنان توانستند علی‌رغم ترک بودن و داشتن زندگی کوچ رویی، با آداب و رسوم ایرانی آشنا شوند و از آن در راستای پیشبرد منافع خود بهره‌برند. حکومتی که آنان در سرزمین‌های اسلامی پدید آوردند به‌عنوان یکی از حکومت‌های مهم یاد می‌شود. ترکمانان سلجوقی بعد از شکست غزنویان در نبرد دندانقان و به‌هنگام ورود به ایالت خراسان، بیشتر شهرهای این مناطق را در معرض ناامنی و غارت قرار دادند. هرچند رهبران سلجوقی در این مورد اختلاف‌های شدیدی با یکدیگر داشتند، اما داشتن روحیه غارت در بین بخش زیادی از این نیروهای تازه‌وارد را می‌توان حاصل زندگی کوچ رویی آنان دانست. مهاجرت ترکمانان به‌عنوان قبایل کوچ رو به ایالاتی که دارای شهرهای متمدن موجود در سرزمین اسلامی بودند یک تقابل جدی را ایجاد نمود. به وجود آمدن فضای ناامنی در مناطقی که ترکمانان به آن وارد می‌شدند بخشی به دلیل فرار حاکمان این مناطق بود. نبود ساختارهایی برای ایجاد و نظم و امنیت شهرهایی را که سلجوقیان به تصرف درمی‌آوردند تا مدت‌ها با چالش‌هایی جدی روبرو می‌کرد. اقدامات مخرب بخشی از این تازه‌واردان، امنیت مناطق را تهدید می‌کرد و در اکثر مناطق، بلای جان مردم شده بودند. این موضوع، رفته‌رفته امنیت غذایی ایالات مختلف ایران را نیز تهدید نمود. امنیت غذایی عبارت است از دسترسی مردم یک جامعه به مواد غذایی برای داشتن جسمی سالم و در تعریف امنیت غذایی سه شاخصه اصلی و مهم وجود دارد: ۱- موجود بودن مواد غذایی ۲- دسترسی به مواد غذایی ۳- استمرار در دریافت مواد غذایی. سلاجقه با ورود خود این سه شاخصه را در معرض تهدید قرار دادند و در اکثر مناطق این تهدید امنیت غذایی قابل مشاهده بود. مرکز این وضعیت اسفناک، ایالت خراسان بود چراکه سلجوقیان در آنجا ظهور کرده بودند. گزارش‌های زیادی از وخامت اوضاع این ایالت در طول دوره حکومت سلجوقیان به ثبت رسیده است. این گزارش‌ها حتی در قصاید شاعران آن دوره نیز نمود پیدا کرده است. رهبران و بزرگان

سلجوقی برای بقای حکومت نوپای خود می‌بایست امنیت شهرهای تحت حکومت خود را تأمین می‌نمودند. حال پرسشی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که چه عواملی بر امنیت غذایی مردم در دوره سلجوقیان تأثیرگذار بود؟ مهاجرت ترکان سلجوقی چه تأثیری بر امنیت غذایی ایالات مختلف ایران داشته است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیه مطرح شده است که تضاد بین زندگی کوچ رویی و یکجانشینی نقش بسزایی در به مخاطره افتادن امنیت غذایی این دوره داشته است.

پیشینه تحقیق

تا به امروز پژوهش‌های زیادی درباره حکومت سلجوقیان به‌وسیله پژوهشگران داخلی و خارجی انجام شده است؛ اما درباره وضعیت غذا و امنیت غذایی در دوره سلجوقیان پژوهش مستقلی انجام نشده است. از پژوهش‌های جدید درباره سلجوقیان می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «نگرش قبیله‌ای ترکمانان سلجوقی و تقابل آن با الگوی ملک‌داری ایرانی» تألیف مرسل پور اشاره کرد. نویسنده در این پژوهش به تقابل زندگی کوچ رویی سلجوقیان با ساختارهای حاکم بر شهرهای ایران و اختلاف‌های موجود بین سران سلجوقی در مورد چگونگی برخورد با قلمروهای تازه فتح‌شده، پرداخته است؛ اما در رابطه با به مخاطره افتادن امنیت غذایی در طول دوره حکومتی آنان تبیین و تشریحی صورت نگرفته است. در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «حمله غزها به خراسان و بازتاب آن در قصاید فارسی» که در حوزه ادبیات نوشته شده است به واقعه تاریخی حمله غزان در زمان حکومت سلطان سنجر سلجوقی اشاره شده است و پیامدهای این حمله بخصوص از بعد امنیتی بررسی شده اما اینکه این حملات باعث از بین رفتن امنیت غذایی ایالت خراسان شد سخنی به میان نیامده است؛ بنابراین پژوهش حاضر در تلاش است که به تبیین و توضیح وضعیت غذا در دوره سلجوقیان بپردازد و اینکه چه عواملی امنیت غذایی در این دوره را با مخاطره روبرو کرده بود.

تنوع و الگوهای تغذیه در ایران دوره سلجوقی

خوراک هر منطقه بنا بر موقعیت جغرافیایی و محصولات کشاورزی آن منطقه متغیر بود. باینکه میوه‌جات به‌عنوان غذای اصلی مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، اما معمولاً در میان‌روز مصرف می‌شده است. برای نگهداری میوه‌جات هم ساختن انبارها را آغاز کردند تا میوه‌ها فاسد نشوند. همچنین اقدام دیگر آنان در راستای نگهداری میوه‌جات، استفاده از موادی بود که در نگهداری محصولات مؤثر واقع می‌شد (قبادی، ۱۳۸۴: ۳۹۹). اما به‌طور کلی غذای مورد استفاده مردم گوشت حیوانات اهلی مانند گاو و گوسفند بود که از آن غذاهای متنوع می‌پختند.

الف: خوراک مردم خراسان: در شهر نیشابور از گوشت گاو یا گوسفند، هریسه (طعامی است از گوشت و حبوبات) درست می‌کردند (محمد بن منور، ۱۳۷۶: ۷۹). از دیگر غذاها می‌توان به شوربا اشاره کرد که در کتاب احوالات شیخ بوسعید این‌چنین آمده است: «درویشی پیش شیخ آمد با گوشت. شیخ گفت با این گوشت چه خواهی کرد؟ گفت شوربایی خواهم پخت». خوردن شکنبه گوسفند هم رایج بوده است (محمد بن منور، ۱۳۷۶: ۱۵۷ و ۸۷ و ۴۷). در نیشابور خوردن انواع حلوا معمول بوده که خیام نیشابوری اغلب حلوهای نیکو مانند هاشمی، صابونی، لوزینه، اباه و طبیخ های نافع را از رسوم خلفای بنی‌عباس می‌داند که آن‌ها خوردن چنین حلوهای را رایج کردند (خیام، ۱۳۴۳: ۲۲). محمد بن منور در حکایتی از خوردن حلوا و زیره بایی سخن گفته است: «بازرگانی بود در مجلس شیخ، اندیشه کرده بود که شیخ را به خانه برد و حلوا و زیره بایی دهد» در نیشابور نوعی نان به نام کلیچه وجود داشت که مورد استفاده مردم بود (محمد بن منور، ۱۳۷۶: ۱۲۰ و ۱۰۳ و ۱۰۲). شاباطی هم نوعی نان خوشمزه و معروف بود. از دیگر خوراکی‌های لذیذ نیشابور می‌توان به مویزوبایی، قلیه گزر و حلوای فانید مزعفر اشاره کرد (محمد بن منور، ۱۳۷۶: ۱۳۵ و ۱۲۳). در ایالت مرو مردم بیشتر به نگهداری و پرورش شتر و غاز می‌پرداختند. فلاته (نوعی حلوا)، سرکه و آبکامه (نان‌خورشی) مرو هم معروف بود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۹۵). در قصبه بیهق علاوه بر استفاده از گوشت گوسفند و گوساله از گوشت آهو هم استفاده می‌نمودند. تخم‌مرغ از دیگر خوراک مردم

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

این منطقه بوده است (باسورث، ۲۵۳۶:۲۶۴). از محصول خشکبار بیهق می‌توان به فستق (فندق) اشاره کرد چراکه درخت فستق در آنجا بسیار بود (ابن فندق، ۱۳۱۷:۲۹۸). در نیشابور همچنین مرغ بریان خورده می‌شد و بعد از آن انواع شیرینی همانند: بوزینه و نوعی حلوا به نام لوزینه سرو می‌شد (محمد بن منور، ۱۳۷۶:۵۶). در یکی از مجالس، شیخ برای چاشتگاه صوفیان دستور داده بود که: «هریکی را سر بره بریان در پیش نهی با شکر کوفته بسیار تا بر آن مغز بره پاشند و هریکی را رطلی (نیم‌من) حلوی شکر و گلاب پیش نهی» (محمد بن منور، ۱۳۷۶:۵۶). از دیگر انواع شیرینی می‌توان به کاک اشاره کرد که با کنجد و مغز پسته خورده می‌شد. منقا (خشکبار پاک‌کرده شده) از دیگر خشکبار مورد استفاده بود (محمد بن منور، ۱۳۷۶:۵۸).

ب: خوراک مردم آذربایجان و عراق عجم

در ایالت آذربایجان مردم از گوشت به صورت فراوان استفاده می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۲/۲). گوشت ماهی یکی از گوشت‌هایی بود که استفاده می‌شد (حدود العالم، ۱۳۶۲:۱۵۸). عسل، روغن گردو، مویز و موم هم در این منطقه وجود داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶:۸۴؛ حدود العالم، ۱۳۶۲:۱۵۸). در منطقه جبال یا عراق عجم، محصولات خشکباری همچون: گردو، انجیر و زعفران مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶ و ۱۰۲). در ایالت طبرستان خوراک مردم، نان، برنج، ماهی و سیر بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶:۱۲۳؛ حکیمیان، ۱۳۵۸:۳۸). غذای رایج شهر گیلان هم لیتر (نوعی نان)، برنج و ماهی بوده است (حدود العالم، ۱۳۶۲:۱۵۰). از محصولاتی که بنا بر گفته ابودلف، بیشتر مورد استفاده مردم شهرری قرار می‌گرفت، زردآلو و گوجه بود (ابودلف، ۱۳۵۴:۷۵). مردمان شهرری بیشتر از گوشت گاو در غذاهایشان استفاده می‌نمودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۳/۲). مقدسی در باب خوراک مردم همدان آورده است که: «شهری نیکو، نان‌ش ارزان، حلواش نیکو و گوشتش فراوان است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۵/۲). در شهر اصفهان منطقه‌ای به نام «برخوار» وجود داشت که مردم آن از کنجد، انواع غلات تغذیه می‌کردند (ابن حوقل، ۱۳۶۶:۱۰۹). محصولات نمک‌سود منطقه سمیرم نیز معروف بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۰/۲). در شهر گرگان، برنج {خوب مولانی} و ماهی بسیار

خورده می‌شد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۶). مردم جبال اغلب به نگهداری گوسفند می‌پرداختند و خوراک آنان بیشتر شیر و لبنیات بود. از شیر نیز انواع خوردنی‌ها را به دست می‌آوردند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۶).

ج: خوراک مردم جنوب ایران

قوت اصلی مردم خوزستان، برنج بود که فراوان یافت می‌شد تا حدی که آن را آرد می‌کردند و از آرد آن نان می‌پختند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۰۸). در شهرهای شوشتر، شوش و عسکر مکرّم، نی‌شکرهای عالی و فراوان به دست می‌آمد و به دلیل زیاد بودن شکر، شیرینی‌های این مناطق ارزان بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۶؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۱۲/۲ و ۶۰۹). در ایالت فارس محصولاتی مانند خرما، اترج^۱، زیتون، ربیاس، گوز (گردو) و بادام به عمل می‌آمد و مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۹/۲). در یکی از ولایت‌های آن به نام ارجان یخ وجود داشت و محصولات آن خرما، لیمو، انگور، انجیر و زیتون بود. در شهر شیراز هم از طعام‌های اهالی آن می‌توان به آش و بریانی اشاره کرد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۱/۲ و ۶۳۴). مردم ایالت کرمان هم بنا بر موقعیت جغرافیایی خود از محصولات کشاورزی و باغبانی استفاده می‌کردند من جمله: زیره، خرما، گردو، انواع میوه‌جات خشک و دوشاب (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۲۶). مقدسی، بیشتر خوراک مردم کرمان را، ذرت (ندی) و خرما دانسته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۳/۲). به‌طور کلی مایحتاج اصلی مردم در آن زمان غلات، صیفی‌جات و میوه‌جات و در رتبه‌بندی دیگر، گوشت و برنج قرار می‌گرفت.

محصولات استراتژیک در دوره سلجوقیان

الف: تنوع اقلیم در فلات ایران

فلات ایران دارای آب‌وهوای متنوع بود و هرکدام از ایالات آن دارای آب‌وهوای مخصوص به خود بودند. امر کشاورزی نیز بنا بر وضعیت جغرافیایی آن منطقه متفاوت بود اما به‌صورت کلی، فعالیت کشاورزی در فلات ایران وابسته به وجود آب بود (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۳). ایالات واقع در شرق ایران

^۱ ترنج

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

از جمله خراسان جزو سرزمین‌های خشک و بیابانی محسوب می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۷۲/۲؛ باسورث، ۱۴۵۰: ۲۵۳۶). کشاورزان نیز برای تهیه آب کافی برای فعالیت‌هایشان اقدام به حفر چاه‌ها نموده بودند و اقتصاد مردم مناطق شرق ایران از دیرباز به کشاورزی وابسته بوده و این امر در قرون میانه ایران نمود بیشتری پیدا کرده بود (بحرانی پور، ۱۳۹۷: ۵ و ۶). وضعیت فعالیت کشاورزی در قرون سوم و چهارم هجری قمری در پناه امنیت نسبی رو به بهبود بود، به طوری که در دوره سلجوقی مهم‌ترین منبع درآمد دولت بود (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۴). اما در غرب ایران این وضعیت متفاوت بود. مقدسی، آذربایجان را سرزمینی با آب‌وهوای سرد و منطقه پر بارش معرفی کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۲/۲). ایالت آذربایجان به دلیل کوهستانی بودن، بارندگی مناسب و وجود رودخانه‌ها و نهرها، کشاورزی در آن یا دیمی بود یا اینکه زمین‌های کشاورزی از طریق رودخانه‌ها سیراب می‌شدند (باسورث، ۱۴۵۰: ۲۵۳۶). مناطق شمال ایران پرباران و پر آب بودند و کشتزارهای این منطقه اکثراً به دلیل بارندگی فراوان، دیمی بودند (سراج، ۱۳۹۶: ۱۰۳). منطقه جبال که یک ناحیه کوهستانی پهناور بود (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۰). اکثر کشتزارها در آنجا با آب قنات آبیاری می‌شد (سراج، ۱۳۹۶: ۹۲ و ۹۱). منطقه خوزستان که سرزمین گرمسیری بود با سیستم آبیاری که از دوره ساسانیان بجا مانده بود آب کشاورزی کشتزارهای نیشکر، گندم، جو، نخلستان‌ها، باغات و کوره‌ها را تأمین می‌نمود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۱۹/۲). ایالت کرمان جزو مناطق کویری فلات ایران محسوب می‌شد و در حوزه تمدن کاریزی قرار داشت. در عراق عرب، شبکه‌های آبیاری بجا مانده از دوران بویه‌ها در کوره‌های شش‌گانه عراق تأمین‌کننده آب موردنیاز کشتزارهای عراق عرب بودند (سراج، ۱۳۹۶: ۹۶ و ۸۷).

ب: مهم‌ترین محصولات کشاورزی

از مهم‌ترین محصولات کشاورزی که هرکدام از شهرها و روستاها، کشتزارهایی را برای آن‌ها اختصاص داده بودند می‌توان به انواع غلات از جمله گندم و جو اشاره نمود. به صورت کلی، انواع غله از محصولات مهم در زندگی روزمره مردم بود. در ایالت خراسان، نیشابور یکی از بزرگ‌ترین

شهرهای آن بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۰۴). در یکی از روستاهای نیشابور به نام بشت، علاوه بر اینکه انواع غله به عمل می‌آمد محصولات کشاورزی معروفی نیز تولید می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۶۴/۲). از محصولات مرغوب نیشابور همچنین می‌توان به ریواس‌های درشت و به‌های بسیار بزرگ اشاره نمود (ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۶؛ امام، ۱۳۴۸: ۲۵). نیشابور شهری بوده است که شیخ سعید ابوالخیر در آن اقامت داشته و محمد بن منور در کتاب اسرارالتوحید به شرح حال او پرداخته است. همچنین این کتاب در حکایتی که آورده است به یکی از غلات که استفاده آن روزانه بوده، اشاره نموده است: «فردی را میره نام که همسایه شیخ بوسعید بود جو خریده و به دستان آرد کرده و پخته بود» (محمد بن منور، ۱۳۷۶: ۱۳۳). در خراسان علاوه بر نیشابور، سرخس و رستاق استوا منبع تولید غلات و حبوبات بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۶۶/۲ و ۴۵۷؛ باسورث، ۱۵۵: ۲۵۳۶). قصبه بیهق و شهر بلخ غلات فراوان تولید می‌کردند و غلات بیهق صادر می‌شد. تولید غله در بلخ به‌نوعی بود که همه‌ساله بر دارایی سلطان می‌افزود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۶۵/۲ و ۴۳۸). حدود جغرافیایی ایالت آذربایجان را ابن خردادبه بدین صورت توصیف کرده است: «حدود آن از مشرق به بردغه و از مغرب به ارزنجان و از شمال تا سرزمین دیلم و جبل و طارم ادامه می‌یابد، اقلیمی است وسیع» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳). در این ایالت، شهر ارمیه به تولید غلات فراوان معروف بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۵). مقدسی: «شهرهای این سرزمین همه خوب، پربرکت و مرکز میوه و گوشت و نعمت‌های نیکو و ارزان است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۲/۲). از محصولات یکی از قصبه‌های ایالت آذربایجان که اردبیل بود، می‌توان به ماهی و انگبین و موم اشاره کرد (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸). ابن حوقل هم از ارزان بودن محصولاتی مانند روغن گردو و مویز سخن گفته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴). ایالت جبال، سرزمینی است که گیاهش زعفران، آشامیدنی مردمش شیر و عسل و درختانش گردو و انجیر است. در این منطقه، دو محصول کشاورزی انگور و سیب در کل سال موجود است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۷۲/۲). همدان یکی از شهرهایی بود که دارای غلات فراوان بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲). ابودلف در باب وجود محصولات کشاورزی مرغوب در همدان آن را معلول خاک خوب دانسته و در سفرنامه خود

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

آورده است: «خاک همدان تمام با طلا آمیخته است» (ابودلف، ۱۳۵۴: ۶۸). یکی دیگر از شهرهایی که جزو مناطق جبال محسوب می‌شد، اصفهان بود. ابن رسته در این مورد نوشته است که: «اصفهان مشتمل بر ۲۰ رستاق است که یکی از آن‌ها به جی معروف است و آن کرسی و مرکز اصفهان است. در این شهر بازارهایی است که محل تجمع مردم است» (ابن رسته، ۱۳۵۶: ۱۸۰). از محصولات باغبانی این شهر، می‌توان به سیب و انگور اشاره نمود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۰/۲). در مورد خاک منطقه اصفهان، ابودلف خاک اصفهان را بهترین خاک روی زمین دانسته و گفته است که: «در آن سیب مدت ۷ سال تر و تازه می‌ماند» (ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۷). در اصفهان همچنین، زعفران خوبی به عمل می‌آمد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶). منطقه دیلم محدود است از جنوب به قزوین و طرم و قسمتی از آذربایجان و قسمتی از ری و از مشرق به بقیه اعمال ری و طبرستان و از شمال به دریای خزر و از مغرب به قسمتی از آذربایجان و بلاد اران (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۳). میوه پرتقال این منطقه از حیث درشتی و خوبی نظیر ندارد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۷۹). محصول دیگر آنجا نی‌شکر است که از جنس اهوازی پست‌تر می‌باشد» (ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۰). ابن حوقل تحرکات سیاسی دوره خود را مانعی برای تولید محصولات کشاورزی منطقه طبرستان دانسته بود که در این باره نوشته: «غلات طبرستان اندک و کشت گندم و جو چندان وضع خوبی ندارد» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۷). «گرگان شهری است خرم و کشت و برز بسیار و نعمت فراخ» (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۳). ابن حوقل: «در گرگان، ثلج (نمک چینی)، خرما، ترنج، میوه‌های سردسیری، گرمسیری، انجیر، زیتون و میوه‌های دیگر به دست می‌آید» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۴). ایالت کرمان از شرق به سرزمین مکران و از سمت غرب به سرزمین پارس و از سمت شمال به بیابان خراسان و سیستان و از سمت جنوب به دریای پارس منتهی می‌شود. در کتاب حدود العالم از محصولات کرمان به زیره، خرما، نیل، نی‌شکر و پانیزد اشاره شده است (اصطخری، ۱۳۹۰: ۱۳۹؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۲۶). مقدسی هم نوشته است که: «کرمان خرما و گردو را، میوه تازه و خشک و شیره آن‌ها را باهم دارد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۰/۲). جیرفت یکی از شهرهای کرمان بود و محصولی که در جیرفت بسیار یافت و مورد استفاده قرار می‌گرفت، خرما بود (ابن

خردادبه، (۵۶:۱۳۷۱). همان‌گونه که جیرفت مرکز تجارت منطقه بود، مرکز میوه و محصولات دیگر هم بود. مخصوصاً خربزه‌های معروفی در شیرین بودن هم داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۸/۲). سرزمین فارس شامل پنج ولایت بود: ولایت اصطخر، ولایت اردشیر خره، ولایت دارابجرد، ولایت الرجان (ارجان) و ولایت شاپور (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۴). سرزمین فارس: «هم خرما دارد هم اترج، زیتون، ریباس، گوز و بادام» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۹/۲). یکی از ولایت‌های مهم فارس، ارجان بود: «ارجان شهری به‌غایت خوش و باصفا و دارای آب‌های فراوان کشت، درخت خرما، تاک، زیتون، زیت، گردو و ترنج است. میوه‌های سردسیری و گرمسیری هم دارد» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۸: مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۰/۲). بازار گندم ولایت ارجان از قول مقدسی جزو بهترین بازارهای غلات بوده است. یکی دیگر از ولایت‌های فارس، ولایت اصطخر بود که در آن حبوبات و برنج به‌صورت فراوان تولید می‌شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۹/۲ و ۶۳۴). جغرافی‌دانان قدیم، شیراز را از اقلیم سوم دانسته‌اند. «در شیراز در عین اینکه درختان سردسیری مانند سیب و گلابی رشد خوبی دارد، مرکبات نیز مخصوصاً نارنج پرورش می‌یابد». افسر در باب مرغوب بودن خاک شیراز نوشته است که: «حاصل خیزی خاک شیراز به‌طوری است که زمین‌های اطراف در تمام مواقع سال در زیر کشت و زرع است و همه‌گونه محصولات صیفی و شتوی عمل می‌آید» (افسر، ۱۳۵۳: ۱۰ و ۹ و ۸). خوزستان دارای محصولات متنوعی مانند خرما، انواع حبوبات: گندم، جو، باقلا بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۶). محصول مهم این ایالت جنوبی ایران، شکر بود به‌طوری‌که نیاز مصرف شهرهای عراق عجم، عراق عرب و یمن از خوزستان بار می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۲/۲). خوزستان: «سرزمینی است خاکش مسی و گیاهش زر، پر میوه و برنج و نیز ارانجاص، حبوب، خرما، ترنج عالی، انار و انگور است. شکر، قند، شیر خوب و عسل القطر دارد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۰۲/۲). شوش: از محصولات کشاورزی شوش می‌توان به ترنج و شمامه‌های خوشبو اشاره کرد که اندازه شمامه‌های آنجا مانند پنجه دست بوده (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۸). شوش همچنین: «کشتزارهای برنج و نیزارها دارد که شکر بسیاری از آن می‌پزند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۰۶/۲). به دلیل شکر فراوان در شوش، شیرینی در آنجا ارزان بود.

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

جندی‌شاپور ایالت دیگر خوزستان، شکر ایالت خراسان و ایالت جبال را تأمین می‌نمود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۱۰ و ۶۰۹). آخرین شهر مهم خوزستان، شهری به نام عسکر مکرم می‌باشد. شهری که در دارا بودن انواع شکر سرخ، سپید و قند در جهان معروف بود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۳۸؛ ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۹).

عراق سرزمینی با رودخانه‌های پهناور می‌باشد. از سمت شرق به زاگرس محدود است و از سمت غرب با شیبی ملایم به سوی بیابان شام بالا می‌رود (دوری، ۱۳۹۱: ۷۷ و ۷۶). عراق سرزمین مرفهی نبوده و آبادی و اهمیت آن به دلیل وجود رودهای دجله و فرات بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۲/۲). عراق جایگاه گرانی بود با میوه‌های اندک (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۵۷/۲). این سرزمین به شش ناحیه تقسیم شده است: کوفه، بصره، واسط، بغداد، حلوان و سپس سامرا (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۵۸/۲). بصره در جنوب عراق واقع می‌باشد و قصبه‌ای ثروتمند است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴). در شهر بصره، نخلستان‌های زیادی وجود دارد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۶۸). بغداد شهری عظیم و قصبه عراق است (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۱). این شهر به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌شود و دجله از میان این دو بخش می‌گذرد. بغداد هفده محله دارد که هر محله‌ای، شهری مستقل محسوب می‌شود (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۷۵). از محصولات خشکبار معروف آن می‌توان به بادام اشاره نمود (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۷۲). حلوان: قصبه‌ای بوده که بر روی کوه قرار داشته و باغ‌های فراوانی من جمله: باغ انگور، انجیر و خرما داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۲). ابودلف به انار و انجیر حلوان اشاره نموده که معروف هم بوده‌اند (ابودلف، ۱۳۵۴: ۵۹).

تجارت مواد غذایی در این دوره سلجوقی

هرکدام از ایالات موجود در فلات ایران بنا بر موقعیت اقلیمی خود، محصولات کشاورزی متفاوتی داشتند. در بعضی از مناطق که محصولات آنجا به تولید انبوه می‌رسید، محصول جنبه صادراتی پیدا می‌کرد و به شهرهای دیگر صادر می‌شد. در ایالت خراسان، شهر نیشابور یکی از محصولاتش را که

غلات بود به تمام شهرهای خراسان و خوارزم صادر می‌کرد (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۵۴). یکی دیگر از شهرهای ایالت خراسان که در امر تجارت نقش بسزایی ایفا می‌کرد، شهر مرو یا مروشاهجان بود. باسورث از آن به‌عنوان مرکز تجارتي پراهمیتی یاد کرده است (باسورث، ۲۵۳۶: ۲۴۹). هرات: از این شهر کشمش خراسانی اعلاء و برگه زردآلو صادر می‌شد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۶). در بیشتر ایالت‌های فلات ایران، باروهایی وجود داشته‌اند که از آن‌ها برای نگهداری و ذخیره اکثراً غلات استفاده می‌شد. در ایالت آذربایجان، شهرهای مراغه و مرند دارای بارو بوده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۰/۲). در قصبات آذربایجان، همانند تبریز و اردبیل از ارزان بودن اجناس گزارش داده شده است که این خود نوعی نشان از رونق تجارت و وفور بودن محصولات بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴ و ۸۳). در ایالت دیگر یعنی ایالت جبال یا عراق عجم که شهرهای ری، همدان و اصفهان را شامل می‌شد، می‌توان به محصولات نمک‌سود این منطقه اشاره کرد که به خراسان هم ارسال می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۷۲/۲). مردم این منطقه چون که بیشتر به نگهداری گوسفند می‌پرداختند از شیر آن انواع خوردنی به دست می‌آوردند، مانند پنیر که به مناطق دیگر هم صادر می‌شد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۶) از شهر همدان به‌عنوان شهری که دارای غلات بوده، یاد شده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲). وجود محصولات ارزان در این شهر هم حکایت از وفور نعمت داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۵/۲). از همدان، زعفران و پنیر نیکو به دیگر شهرها صادر می‌کردند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲؛ مقدسی، ۵۹۲/۲). اصفهان: یکی از شهرهای ایالت عراق عجم، اصفهان بود. این شهر به دلیل وجود زاینده‌رود، دارای محصولات کشاورزی و باغبانی مرغوبی بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۹۲/۲). غله اصفهان در باروی آن نگهداری می‌شد به‌نوعی که اگر گندم و جو را حدود بیست سال در آن نگهداری می‌کردند، فاسد نمی‌شد (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۱۶۶). قزوین: شهری بود که به بارو مجهز بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۲). یکی از محصولات مشهور قزوین؛ ترذوغ (بادرنجبویه) بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۹۲/۲). دیلم و طبرستان: ابن حوقل، شهرری را بزرگ‌ترین شهر این ایالت دانسته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۰). از وجود بازارهای متعدد در این شهر که

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

معروف‌ترین آن‌ها بازار روزه (روده) بود، می‌توان دریافت که تجارت در این شهر به شکل قابل‌توجهی صورت می‌گرفت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۱). دامغان: این شهر به داشتن سیب‌های سرخ معروف بود که جنبه صادراتی هم داشت و به عراق صادر می‌شد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۲؛ ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۲). گیلان: شهری آباد و ثروتمند بود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۹). محصولی که از این شهر به نقاط دیگر ارسال می‌شد، برنج و ماهی بود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۰). مناطق جنوب ایران نیز نقش مهمی را در تجارت ایفا می‌کردند. در قرن چهارم، مهم‌ترین انبار چین و درگاه خراسان از دیدگاه مقدسی، سیراف بوده است (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۷۶). در قرن پنجم یکی از بنادر جنوبی به نام بندر تیز معروف‌ترین بندر تجاری ایران در زمان حکومت سلجوقیان شد (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۸۰). از این بندر کالاهای متنوع به ایران و حتی خارج از ایران نیز ارسال می‌شد (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۸۱). خوزستان: از شهرهای معروف خوزستان می‌توان به شوشتر اشاره کرد که: «خوره‌ای پر میوه، انگور و اترج است و همه میوه‌هایش را به اهواز و بصره می‌برند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۰۶/۲). محصولی که به‌وفور در خوزستان کاشت و برداشت می‌شد، نی‌شکر بود. به همین علت، محصولات به‌دست‌آمده از آن هم خیلی ارزان بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۶؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۵۹/۲).

فارس: مقدسی این ایالت را ثروتمند و مرکز بازرگانی معرفی کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۰/۲). یکی از ولایت‌های مهم و مشهور فارس، ولایت ارجان (ارگان) بود. چراکه مقدسی آن را: «انبار فارس و عراق و بارانداز خوزستان و اصفهان» معرفی کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۴/۲). کرمان: ابن حوقل، شهر هرمز را بندرگاه و مرکز کرمان و محل دادوستد معرفی کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۶). این شهر در دوره سلجوقیان، مقصد کاروان‌های تجاری ایران و حتی دیگر کشورها بوده است (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۸۴). مقدسی هم کرمان را دادوستد گاه ثروتمندان و خوش‌گذران دانسته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۰/۲)؛ اما لسترنج، شهر جیرفت را مرکز تجارت خراسان و حتی سیستان نوشته است (لسترنج، ۱۳۸۳: ۳۳۷). محصول رایج کرمان هم خرما بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۰/۲). عراق عرب: هرکدام از شهرهای عراق محصولات متعددی برای استفاده و تجارت داشتند.

در شهر بصره ۴۹ نوع خرما وجود داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۲/۲). رود دجله هم دارای ۲۴ نوع متفاوت ماهی بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۲/۲). با توجه به کثرت دو محصول می‌توان این دو را در زمره محصولات مورد تجارت برشمرد. از شهر موصل به‌عنوان پایگاه کاروان‌های رحاب یاد شده است که نقش بازرگانی مهمی را در منطقه ایفا می‌کرد. از موصل به شهر بغداد، اقلام و مواد خوراکی ارسال می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۹۴/۲). محصولات متفاوتی مانند حبوبات، عسل، محصولات نمک‌سود، پیه، پنیر، سماق و نار دانه به دیگر مناطق صادر می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۰۳/۲). یکی از محصولاتی که به‌وفور در سرزمین عراق یافت می‌شد و به دلیل فراوانی بسیار، صادر هم می‌گردید، خرما بود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۰). از محصولاتی که بغداد به شهرهای دیگر ارسال کرد می‌توان به انواع روغن، انواع شراب و معجون‌ها اشاره نمود (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۱). شهر حلوان به دلیل داشتن انجیر فراوان، این محصول را در آنجا خشک می‌کردند و خشک‌شده آن را به مناطق دیگر می‌فرستادند (حدود العالم، همان: ۱۵۳). شهر بصره در عراق، ماهی، خرما، گوشت، سبزی و شیر را به‌صورت فراوان دارا بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۳/۲). در سرزمین عراق هم‌محل‌هایی برای خوردن هریسه وجود داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۰/۲). سلجوقیان یکی از دولی بودند که با تأمین امنیت راه‌های بازرگانی-تجاری توانستند بگسترش امر تجارت در شهرهای مختلف بپردازند.

ورود سلجوقیان و تأثیر آن بر موضوع تأمین غذا

اقدامات سلاجقه در راستای تسلط بر خراسان، تأثیرات منفی بر شهرهای خراسان گذاشت. قبل از اینکه سلجوقیان ترک وارد خراسان شوند، دسته‌ای از ترکان غز قبل از سال ۳۹۶ ه.ق وارد خراسان شده بودند (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱). این ترکان غز بعدها با عنوان «غزان عراقی» شناخته شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۹۳/۱۶). در اواخر سال ۴۱۸ ه.ق مردمان نساء، باورد و فراوه از فساد ترکمنان به دربار سلطان محمود غزنوی شکایت بردند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۵). سلطان مسعود غزنوی با سران لشکری و کشوری جلسه‌ای را برگزار کرد و در آن خطاب به بزرگان گفت: «ترکان سلجوقی در میان ولایت ما نشسته و می‌گویند ما را هیچ جای مأوی نمانده است» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۳۷۶).

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

کویمن، ۱۹۵۷: ۵۱؛ ۶۱۴/۵). این سخن سلطان غزنوی به معنی حضور فعال و پررنگ سلجوقیان در قلمرو آنان بود.

الف: وضعیت خراسان با ورود سلجوقیان و ترکمانان عراقی

حضور ترکان غز و سلجوقیان در خراسان و وجود درگیری میان ترکان غز و حکومت غزنوی، خراسان را تبدیل به یک منطقه ناامن نمود. بقول بیهقی: «ترکان غز، مسته^۲ خراسان بخورده بودند» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۷۷/۵). سلجوقیان هنگام ورود خود: «چون جراد منتشر و پراکنده شدند و جمله دیار خراسان آشفته و مخبط کردند» (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۱۵). ترکان سلجوقی هم با مرتکب شدن چند اقدام، امنیت خراسان را به مخاطره انداختند: «احشام مردم را به سرقت می بردند» (حسینی، ۱۳۸۰: ۴۵). آنان با این کار، امنیت غذایی مردم را مختل می کردند. چراکه مصرف گوشت، شیر و فرآورده های حاصل از آن جزو خوراک مردم بود. «ترکان سلجوقی، گوسفندان خود را در زمین های کشاورزی رها می کردند» (حسینی، ۱۳۸۰: ۴۵). انجام دادن این کار، نشان از تضاد بزرگ بین زندگی کوچ رویی سلجوقیان و یکجانشینی مردم ایالت خراسان بود. آنان با بی توجهی به زمین های کشاورزی، محصول روستاییان را که تأمین کننده مایحتاج مردم شهری هم بود و شامل: غلات، حبوبات و حتی میوه جات و صیفی جات را از بین می بردند. یکی از شهرهای خراسان که می توان گفت لطمات جدی را مابین سال های ۴۲۹-۴۲۲ ه.ق به خود دید، شهر بیهق بود. این شهر به مدت هفت سال در محاصره طغرل سلجوقی بود. در این مدت، کشاورزی در بیرون حصار شهر ناممکن بود. همچنین گوشت گوسفند هم در شهر نایاب شده بود (حسینی، ۱۳۸۰: ۴۶). ایالت مرو نیز در این تاخت و تازها وضعیت مناسبی نداشت. باسورت در این باره نوشته است: «در سال ۴۲۸ ه.ق چغری نامه هایی نوشت و فرمان داد تا آنها را در میان مردم جار بزنند و آنانی را که گریخته بودند

از چیزی بهره مند گشتن و سود بردن^۲

به بازگشت خانه‌هایشان دعوت کنند» (باسورث، ۲۵۳۶: ۲۶۴). شهر نیشابور نیز در حوضه کشاورزی آسیب دید و اقتصاد روستایی این شهر به تباه کشیده شد (رحمتی، ۱۳۹۲: ۱۶۷ و ۱۶۶).

ب: پیشروی ترکان به آذربایجان و عراق عجم

در سال ۴۲۰ ه.ق ابن اثیر گزارش نهب و غارت غزان عراقی را پس از خروج از اصفهان می‌دهد تا اینکه به ایالت آذربایجان می‌رسند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۹۲/۱۶). فرماندهان این دسته از ترکان، کوکناش، بوقا، قزل، یغمر و ناصغلی نام داشتند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۹۳/۱۶). ترکمنان عراقی، دامغان، سمنان و ری را به باد نهب و غارت گرفتند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۹۳/۱۶). در سال ۴۲۹ ه.ق ترکمنان عراقی به مراغه که یکی از شهرهای آذربایجان بود، وارد شدند و مسجد آن را آتش زده و مردم زیادی را قتل‌عام کردند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۹۶/۱۶). شهر قزوین در ازای پرداخت هفت هزار دینار از غارت و چپاول ترکان عراقی به سرکردگی ناصغلی در امان ماند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۹۷/۱۶؛ توران، ۱۳۹۵: ۱۰۱). شهر همدان یکبار به دست ترکان عراقی با همکاری فنا خسرو بن مجد الدوله بن بویه چنان مورد تاراج و چپاول قرار گرفت به طوری که آنان در ارتکاب اعمال شنیع خود هیچ مباحاتی را نشان ندادند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۹۸/۱۶). یکبار هم ابراهیم ینال در زمان حکومت ابو کالیجار بویهی آنجا را از تصرف آل‌بویه خارج کرد و به تصرف سلجوقیان درآورد (توران، ۱۳۹۵: ۱۰۰). در سال ۴۴۲ ه.ق طغرل بیک، اصفهان را به مدت یک سال محاصره کرد و علت آن بود که حاکم اصفهان رویکرد ثابتی نداشت. گاهی از ملک رحیم بویهی اطاعت می‌کرد و گاه از سلطان سلجوقی. در این مدت هم طغرل بیک برآبادی‌های پیرامون اصفهان چیره شد (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۲۲۶/۱۶). این محاصره یک‌ساله برای مردم اصفهان، وضعیت اسفباری را در پی داشت زیرا که خواروبار مردم تمام‌شده بود. این وضعیت به جایی رسید که اهالی اصفهان از شدت نیاز، مسجد را خراب کردند تا بتوانند از چوب‌هایش استفاده کنند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۲۶۶/۱۶؛ گروسه، ۱۳۶۵: ۲۶۰). از نتایج این محاصره می‌توان به این اشاره کرد که بعدها در سال ۴۲۹ ه.ق حاکم اصفهان، علاءالدوله بن کاکویه، حصارى در گرداگرد اصفهان کشید (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱). حتی شهر شیراز در سال ۴۳۶ ه.ق در زمان

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

حکومت عمادالدین ابوکالیجار بویهی برای در امان ماندن از هجوم ترکمانان به حصار مجهز شد (مؤمنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱). مقصد بعدی طغرل سلجوقی، آذربایجان بود. او در سال ۴۴۶ ه. ق به آذربایجان رفت و قصد تبریز کرد. در این زمان والی تبریز، امیر منصور وهسودان بن محمد روادی بود. او اطاعت از طغرل را پذیرفت و به نام او خطبه خواند و بدین ترتیب تبریز را از غارت و چپاول ترکان سلجوقی در امان نگه داشت (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۲۱). شهر موصل در زمان حاکمیت قراوش توسط ترکان غز مورد نهب و غارت قرار گرفت باوجوداینکه حاکم و اهالی شهر، پذیرفته بودند که مبلغ باجی را که ترکان غز از آن‌ها درخواست کرده‌اند، پرداخت نمایند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۱۰۲/۱۶). برای شهر قرمیسین، ابراهیم ینال مأمور تصرف آن شد و پس از درگیری با سپاهیان پادگان قرمیسین بر آن‌ها چیره شد و اموال آنان را غارت نمود. سپس وارد شهر شد و آن را هم چپاول و غارت نمود (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۲۳۳/۱۶ و ۲۳۲؛ توران، ۱۳۹۵: ۱۰۱). شهر بعدی، حلوان بود هنگامی که ابراهیم ینال وارد حلوان شد مردم از ترس، شهر را تخلیه کرده بودند. ابراهیم ینال آنجا را تاراج کرد و مانند جاهای دیگر سپاهیان به هتک نوامیس پرداختند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۲۳۷/۱۶ و ۲۳۳). در سال ۴۵۱ ه. ق طغرل سلجوقی به واسط رفت و شهرهای واسط و بصره با پرداخت مبالغی از تاراج سپاهیان سلجوقی در امان ماندند. طغرل و سپاهیان آب‌ادی‌های میان واسط، بصره و اهواز را غارت کردند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۳۶۰/۱۶). در سال ۴۳۱ ه. ق گروهی از ترکان که در بداد بودند علیه جلال الدوله شورش کردند و دست به قتل و غارت زدند و کارها را به تباهی کشاندند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۷۹/۱۶ و ۷۸؛ کسروی، ۱۳۷۷: ۱۷۳). در سال ۴۴۸ ه. ق اقامت طولانی مدت طغرل بیک و سپاهیان در بغداد باعث شد که مردم مشکل کمبود مسکن داشته باشند و از لحاظ امنیت غذایی هم دچار مشکل شوند. خلیفه وقت، القائم بامرالله در نامه‌ای از عمید الملک کندی درخواست کرد تا طغرل سلجوقی را آگاه کند از رفتار ناشایست سپاهیان. طغرل و سپاهیان تصمیم به خروج از بغداد گرفتند و در طول مسیر خود، شهرهایی مانند اوانا و عکبرا و ... را تاراج کردند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۳۷۹).

۳۳۱/۱۶ و ۳۳۰ و ۳۲۹). پس می‌توان گفت که سلجوقیان با ورود خود به مناطق مختلف با چپاول و غارت‌گری‌هایی که انجام دادند، مردم شهر و روستاها را از لحاظ تأمین غذا با مشکل روبرو کردند.

قحطی و گرسنگی در دوره سلجوقیان

در رابطه با مسئله قحطی و به دنبال آن گرسنگی، چند عامل تأثیرگذار را می‌توان بررسی نمود:

الف: وقوع بلاهای طبیعی

بلاهای طبیعی در هر دوره از تاریخ وجود داشته است و مشکلاتی برای تأمین مواد غذایی را به وجود آورده است. در این بخش به چند نمونه از این بلاها که در نتیجه باعث به خطر افتادن امنیت غذایی مردم در دوره سلجوقیان شده است، اشاره می‌شود. از شهرهای مهم ایالت عراق عرب می‌توان به بغداد اشاره کرد که درگیر این مشکل بود. مشکل بزرگ بغداد و همچنین سراسر بین‌النهرین، مسئله طغیان‌های دجله بوده است (دوری، ۱۳۹۱: ۹۳). در سال ۵۰۲ ه. ق گزارشی از طغیان رود دجله آمده است که نتیجه آن از بین رفتن غلات زمستانی و تابستانی بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۷۲/۲۴). زمستان سال ۵۱۵ ه. ق در سراسر عراق از بصره تا تکریت برف بسیار بارید. این برف پانزده روز بر روی زمین باقی بود و ضخامت آن یک ذراع بود. این برف به تمام درختان نارنج، ترنج و لیمو آسیب وارد کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳/۲۵). در سال ۵۱۸ ه. ق به دلیل قطع شدن باران در شهرهای عراق، موصل، دیار الجزیره، شام و دیار بکر ارزاق کمیاب گردید (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۸/۲۵). پدیده قحطی و خشک‌سالی گاهی تا جایی پیشرفت می‌کرد که مردم چیزی برای خوردن پیدا نمی‌کردند. در خراسان سال ۵۳۲ ه. ق قحط و خشک‌سالی سختی روی داد که مدتی طول کشید کارخشک‌سالی بالا گرفت تا جایی که مردم، سگ و گربه و حیوانات دیگر را می‌خوردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲۲/۲۵).

ب: افزایش قیمت کالا و اجناس

در سال ۴۱۶ ق در نتیجه آشوب‌هایی که شهر آشوبان بغداد به وجود آوردند و دارایی‌ها را دزدیدند، گرانی پدید آمد. بدین‌صورت که قیمت یک کرگندم به دویست دینار قاسانی فروخته می‌شد (ابن

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

اثیر، ۱۳۸۵: ۵۵۹۷/۱۳). در سال ۴۲۳ ه.ق هم در جای جای سرزمین اسلامی گرانی پدید آمد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۶۷۰/۱۳). در ایالت عراق به سال ۴۳۹ ه.ق با پدیدار شدن گرانی، قیمت یک من بادام به پانزده قیراط، یک انار به دو قیراط و یک خیار به یک قیراط رسید و دیگر خوردنی‌ها نیز به همین سان (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۷۸۴/۱۳). گرانی در بغداد و عراق در سال ۴۴۹ ه.ق وضعیت وخیم‌تری داشت. قیمت یک پشته آرد سفید به سیزده دینار، یک پشته جو و ذرت به هشت دینار رسیده بود. مردم، مرده و سگ و جز آن را می‌خوردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۸۷۸/۱۳). قحطی سال ۵۱۷ ه.ق در عراق شدت بیشتری داشت که در پی آن بهای یک کیسه آرد سیوس‌دار به شش دینار و ده قیراط رسیده بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۰/۲۵). در سال ۵۱۸ ه.ق با بالا گرفتن قیمت‌ها در سراسر شهرهای عراق، ارزاق کمیاب گردید و این وضع تا سال ۵۱۹ ه.ق ادامه داشت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۸/۲۵). باینکه سلجوقیان قلمرو وسیعی داشتند شهرها در وضعیت مناسب بودند اما هنگامی که با قحطی مواجه می‌شدند در صورت عدم ناتوانی در رفع قحطی، این وضعیت به درازا می‌انجامید.

ج: نقش جنگ‌های داخلی و مرزی در امنیت غذایی

در طول دوران حکومت سلجوقیان جنگ‌های متعددی به وقوع پیوست که در راستای گسترش قلمرو صورت می‌گرفت اما تبعات ناخوشایندی را نیز به همراه داشت. در این قسمت از مقاله سعی شده است به جنگ‌های داخلی و مرزی حکومت سلجوقیان که در نتیجه باعث از بین رفتن امنیت غذایی در مناطق جنگ‌زده شد، اشاره شود.

سلاطین نخست سلجوقی و لشکرکشی‌های آنان

در سال ۴۴۰ ه.ق/۱۰۴۸ م. ابراهیم ینال، برادر ناتنی طغرل سلجوقی در جواب درخواست غزها مبنی بر اسکان در ایالت عراق عجم به آن‌ها پیشنهاد حرکت به سوی سرزمین رومیان را داد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۵۷۸۸/۱۳). غزها به همراه ابراهیم ینال به ملازکرد، ارزن روم، قالیقلا، طرابوزان و آن مناطق رسیدند. میان آنان و رومیان جنگ سختی درگرفت اما در نهایت مسلمانان پیروز شدند. آنان به غارت و

یغماگری شهرها پرداختند و غنیمت‌های زیادی نیز به چنگ آوردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۳/۵۷۸۸؛ خداوردیان، ۱۳۶۰، ۲۱۹/۱). یکی از شهرهای مهم ارمنستان در قرون ۱۱-۹ میلادی، آرزن بود. این شهر در نیمه اول قرن یازدهم میلادی به اوج ترقی خود رسیده بود ولی چون حصار تدافعی نداشت توسط ترکان سلجوقی در سال ۴۴۱ ه.ق/۱۰۴۹ م. به همراه چند شهر از بیخ و بن ویران شد و هزاران انسان نیز کشته شدند (خداوردیان، ۱۳۶۰، ۲۱۹/۱، ۲۰۷، ۲۰۶). در همین سال در یکی از شهرهای ارمنستان بنام باسن، جنگی میان ارمنستان و سلجوقیان به وقوع پیوست که به جنگ باسن معروف شد. سلجوقیان پیروز این جنگ بودند و شهرها، قصبه‌ها و دهات متعددی را نیز غارت کردند (خداوردیان، ۱۳۶۰، ۲۲۰/۱). سومین حمله سلجوقیان در سال ۴۴۶ ه.ق/۱۰۵۴ م. به فرماندهی طغرل سلجوقی صورت گرفت. آنان به دنبال فتح منازکرد (ملازگرد) بودند اما سپاه را به گروه‌های متعدد تقسیم نمودند و مناطق متعدد را ویران کردند. طغرل سلجوقی حدود یک ماه شهر را محاصره نمود و اهالی آن را در تنگنا قرارداد. همچنین شهری را که در جوار ملازکرد قرار داشت بنام حصینه را نیز تاراج و ویران کرد. سلجوقیان در این لشکرکشی چیزی جز غارت و چپاول‌گری مرتکب نشدند و ویرانی‌های بسیاری را برجای گذاشتند. آنان تا آرزن روم پیشروی کردند اما با آمدن فصل زمستان و بدون تصرف ملازکرد به آذربایجان بازگشتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۳/۵۸۴۱؛ خداوردیان، ۱۳۶۰، ۲۲۰/۱). در سال ۴۶۳ ه.ق که دوره فرمانروایی آلپ ارسلان سلجوقی بود، سلجوقیان بیشتر متوجه سرزمین رومیان شده بودند. آلپ ارسلان بعد از تصرف شهرهای دیار بکر، آمد و رها به سوی حلب حرکت کرد و چون که شهر تسلیم سپاه مسلمانان نشد، محاصره شهر تشدید گردید و نرخ اجناس و کالاها گران شد و جنگ شدت یافت. این جنگ با وساطت مادر حاکم حلب پایان یافت و شهر به حاکمش بازگردانده شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۲۳/۶-۷). چهارمین حمله‌ای که صورت گرفت به فرماندهی آلپ ارسلان در سال ۴۵۶ ه.ق/۱۰۶۴ م. شهر آنی و دشت آارات را هدف قرار داده بود که حتی روستاهای اطراف آن نیز ویران شد (خداوردیان، ۱۳۶۰، ۲۲۱/۱). لشکرکشی‌های آلپ ارسلان سلجوقی ترتیب آن‌ها را داد باعث شد که سلطه سلجوقیان تقریباً در ارمنستان تثبیت

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

شود (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰، ۶۷). نویسنده کتاب تاریخ ارمنستان در رابطه با اوضاع کلی ارمنستان بعد از حملات سلجوقیان می‌نویسد: «در زمان لشکرکشی‌ها و تسلط سلجوقیان، اوضاع وخیم اقتصادی و حقوقی برای خلق ارمنی به وجود آمد. دشت‌های حاصل خیز ارمنستان به چراگاه تبدیل شد، زراعت و باغداری به اندازه قابل توجهی جای خود را به دامداری و کوچ‌نشینی داد و شهرهای متعددی ویران گردید از جمله: آنی، دوین، کارین، وان و غیره. به کشاورزی، زندگی شهری و تجارت ضربه بزرگی وارد شد» (خداوردیان، ۱۳۶۰، ۲۲۲/۱).

سنجر سلجوقی و مسئله غزان

سنجر سلجوقی یکی از سلاطین سلجوقی بود که مابین سالهای ۵۵۲ ه.ق - ۴۹۰ ه.ق به حکومت پرداخت. تودولایی می‌نویسد که: «سنجر شاهنشاه که بر تمام ایران حکومت می‌کند و ۴۵ شاهزاده تحت فرمان او قرار دارند، عرب‌ها او را سلطان الفارس الکبیر خطاب اش می‌کنند. امپراتوری او از دروازه‌های شط العرب تا سمرقند و قزل‌اوزن به اضافه نیشابور، شهرهای مدائن، تیسفون و سرزمین کوهستانی خفتان تا مرزهای تبت کشیده شده» (تودولایی، ۱۳۸۰، ۱۲۰-۱۱۹). یکی از چالش‌هایی که سنجر سلجوقی با آن روبرو شد، طایفه غزان بودند. آنان یکی از قبایل ترک بودند که در ماوراءالنهر اقامت داشتند. غزان بعدها به خراسان وارد شدند و در نواحی بلخ به گله‌داری و دام‌پروری پرداختند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۵۲/۲۶ و ۱۵۱). در سال ۵۴۸ ه.ق سنجر سلجوقی سپاهیان را گردآورد تا به سرکوبی آزان بپردازد اما پیروز این جنگ، غزان بودند و حتی شاه سلجوقی را نیز به اسارت درآوردند (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۵۳؛ اصفهانی، ۲۵۳۶، ۳۴۰-۳۳۹؛ بارتولد، ۱۳۷۶، ۱۳۰). مدت اسارت او از سال ۵۵۱ ه.ق تا ۵۴۸ ه.ق به طول انجامید (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۱۹۶/۲۶). غزان بعد از دو الی سه ماه به سوی مرو حرکت کردند و سردسته آنان امیر بختیار از سنجر خواست تا مرو را به آنان به عنوان اقطاع بدهد، اما خواسته آنان مورد قبول سنجر واقع نشد (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۴۹؛ راوندی، ۱۳۸۶: ۱۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۵۳/۲۶). این عدم واگذاری، سرآغاز بیدادگری‌های غزان در شهرهای مختلف خراسان بود (بنداری اصفهانی، ۲۵۳۶: ۳۴۰). غزان برای شهر نیشابور مالیات سنگینی را وضع کردند و اهالی

شهر به دلیل عدم توان مالی دست به اعتراض گشودند. غزان وارد شهر نیشابور شدند و آن را ظالمانه مورد تاخت و تاز با زمین هموار یکسان شد (بنداری اصفهانی، ۲۵۳۶: ۳۴۰؛ راوندی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). در ایالت خراسان به جز دو شهر هرات و دهستان مابقی شهرها مورد غارت غزان واقع شدند که مصونیت دو شهر مذکور به دلیل استحکامات محکم بود (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۱؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۵۵/۲۶).

بازتاب حملات غزان در اشعار شاعران آن دوره

ویران شدن ایالت خراسان در قصاید یکی از شاعران آن زمان، خاقانی، بدین صورت مورد توجه او قرار گرفته است:

آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

در این قصیده، خراسان به مصر و رود نیل تشبیه شده است (نورائی نیا، ۱۳۹۳: ۲۰۹). ولایت بعدی که غزان با تاخت و تاز وارد آن شدند، طوس بود. شهر را به باد غارت و چپاول گرفتند، زنان شهر را اسیر و مردان را به قتل رساندند و اماکنی مانند مساجد و خانه‌ها را نیز ویران نمودند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۵۸/۲۶). انوری شاعر قرن ششم نیز بخشی از قصاید خود را به مسائل غزان اختصاص داده است. او سعی کرده که چپاول و غارت و کشت و کشتار غزان را به زبان شعر بیان کند و خطاب به پسر خوانده سنجر، رکن‌الدین قلیج طمغاج خان که خاقان سمرقند بود در این باره گفته است که:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر نامه اهل خراسان ببر خاقان بر

نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان نامه‌ای مقطع آن درد دل و سوز جگر (انوری، ۱۳۳۷: ۱/۱: ۲۰۱)

خبرت هست کزین زیروزبر شوم غزان نیست یک پی ز خراسان که نشد زیروزبر(انوری،۱۳۳۷):
(۲۰۲/۱)

کشتار و بی‌رحمی غزان پایانی نداشت. آنان در سال ۵۴۹ ه.ق وارد نیشابور شدند و همان اقداماتی را انجام دادند که در شهرهای دیگر کرده بودند؛ اما در کشتار اهالی زیاده‌روی نمودند به گونه‌ای که گمان کردند کسی را زنده نگذاشته‌اند. شمار کشته‌شدگان بالغ بر ۱۵ هزار نفر بود، زنان و کودکان شهر نیشابور نیز به اسارت غزان درآمده بودند. شهرهای دیگر خراسان من جمله: جوین، اسفراین و شهرستان نیز سرنوشتی همانند دیگر شهرها داشتند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۰/۲۶-۱۵۸). انوری در این بیت از خاقان سمرقند طلب یاری نموده است:

خلق را زین غم، فریادرس ای شاه نژاد ملک را زین ستم آزاد کن ای پاک سیر (انوری،۱۳۳۷):
(۲۰۲/۱)

انوری نیز نه تنها ایالت خراسان بلکه ایران را متأثر از حملات و غارت‌های غزان دانسته و سروده است که:

هست ایران به مثل شوره تو ابری و نه ابر هم برافشانند بر شوره چو باغ مطر(انوری،۱۳۳۷):
(۲۰۳/۱)

چون از عدلش سرتاسر توران آباد کی روا دارد ایران را ویران یکسر(انوری،۱۳۳۷: ۲۰۱/۱)

خبرت هست که از هرچه درو چیزی بود در همه ایران امروز نماندست اثر(انوری،۱۳۳۷):
(۲۰۲/۱)

آنکه را صد ره غز زر ستد و باز فروخت دارد آن جنس که گوئیش خریدست

بزر(انوری، ۱۳۳۷: ۲۰۲/۱)

خاقانی نیز ممدوح خود، سلطان غیاث‌الدین محمد بن محمود بن محمد بن ملک‌شاه را در بیت

زیر «سنجر ثانی» می‌خواند و از او طلب یاری می‌کند:

اول سلجوقیان سنجر ثانی که هست سائس خیرالعباد، سایه رب النسم(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۶۱)

ملک خراسان به تیغ بازستانی ز غز پس چه کنی در نیام گنج ظفر مکتتم

درگه میران غز در شکنی نیم روز چون در افراسیاب نیم شبان روستم

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۶۳)

خاقانی در بیتی دیگر در مدح فخرالدین منوچهر شروان شاه او را از اقدامات غزان آگاه کرده و

از او خواسته که دست روی دست نگذارد:

مگذار ملک آرشی در دست مثنی آتشی خوش نیست گرد ناخوشی بر روی زیبا ریخته

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۸۱)

او حتی این موضوع را به همراه وصف خاقان اکبر منوچهر شروان شاه نیز به او گوشزد نموده

است:

ور ز عراق وقت را عزم غزای غز کنی از سر چار شهر دین شحنه کفر برگری

در عقبات راه دین بهر عقوبت غزان تیغ تو دوزخی کند، آب سنانت آذری

بر سر دوزخت کند حور بهشت مالکی در بر آتشت کند حوت فلک سمندری

چون جم از اهرمن نگین، بازستانی از غران تاج سر ملکشهی، خاتم دست سنجری

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۲۵ و ۴۲۴)

وقوع جنگ چه به شکل داخلی چه به شکل مرزی، هزینه‌های سنگینی را برای حکومت وقت به همراه داشت و باید به جبران خسارات وارده پرداخته می‌شد.

نتیجه‌گیری

سلجوقیان ترک‌تبار بعد از مهاجرت به فلات ایران، در اوایل حکومت خود به ویران نمودن شهرها و روستاها، غارت و چپاول گری و کشت و کشتار پرداختند. آنان با این اقدامات خود، امنیت شهرها، روستاها و حتی راه‌های مهم بازرگانی-تجاری را از بین بردند. همچنین به دو روش، امنیت غذایی مردم را به مخاطره انداختند: ۱- محاصره طولانی: در مناطقی که مردم شهر یا حاکم آن مقاومت می‌نمودند سلجوقیان طول محاصره را افزایش می‌دادند تا آذوقه محاصره شوندگان به پایان رسد و تسلیم شوند. ۲- تخریب و ویران نمودن زمین‌های کشاورزی: سلجوقیان در ابتدا چون به صورت قبائل کوچ رو بودند و شغل اصلی آنان دامداری بود هنگامی که وارد فلات ایران شدند، احشام خود را در زمین‌های کشاورزی رها کردند تا به چرا بپردازند و بدین صورت، غلات کشت شده کشاورزان را از بین می‌بردند؛ اما آنان بعد از پس‌گیری قدرت از غزنویان، به اصلاحاتی دست زدند که در راستای برقراری دوباره امنیت بود. چراکه دیگر ایران به‌عنوان بخشی از قلمرو آنان محسوب می‌شد. سلجوقیان به بازسازی مناطق ویران‌شده پرداختند و از مردم فراری درخواست کردند که به شهرهای خود بازگردند و بدین صورت، امنیت به‌طور نسبی برقرار شد؛ اما تنها سلجوقیان عامل این اوضاع نبودند بلکه عوامل دیگری همچون: وقوع بلایای طبیعی، شیوع

بیماری، گران شدن قیمت کالا و اجناس و وقوع جنگ‌های داخلی و مرزی نیز امنیت غذایی مناطق را تهدید می‌کردند. پس می‌توان گفت که تضاد بین زندگی کوچ رویی و یکجانشینی نقش بسزایی در به مخاطره افتادن امنیت غذایی این دوره داشته است.

منابع

۱. آفسرای، کریم، ۱۳۶۲، مسامره الاخبار و مسایره الاخبار (تاریخ سلاجقه)، به تصحیح و اهتمام عثمان توران، تهران: انتشارات اساطیر.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۸۵، الکامل، ترجمه حمیدرضا آذیر، ج ۱۳، تهران: انتشارات اساطیر.
۳. ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۶۸، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۱۶، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۷۱، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۲۳ و ۲۴ و ۲۵، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
۵. ابن بی‌بی، ناصرالدین حسین بن محمد، ۱۳۵۰، تاریخ سلاجقه روم، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
۶. ابن حوقل، ابوالقاسم، ۱۳۶۶، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. ابن فندق بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، ۱۳۱۷، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
۸. ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۱، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
۹. ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۳۵۶، اعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. ابن جبیر، محمد بن احمد، ۱۳۷۰، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

تأثیر حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

۱۱. امام، محمدکاظم، ۱۳۴۸، مشهد طوس، تهران: انتشارات کتابخانه ملی ملک.
۱۲. اصطخری، ابو اسحق ابراهیم، ۱۳۴۰، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. افسر، کرامت الله، ۱۳۵۳، تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۴. انوری ابیوردی، علی بن محمد، ۱۳۳۷، دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. باسورث، ادموند کلیفورد، ۲۵۳۶، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. بارتولد، واسیلی ولادیمیر، ۱۳۷۶، تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی، ترجمه غفار حسینی، تهران: انتشارات توس.
۱۷. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، ۱۳۷۴، تاریخ بیهقی، ج ۵، تصحیح علی‌اکبر فیاض، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. توران، عثمان، ۱۳۹۵، سلجوقیان، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تبریز: نشر اختر.
۱۹. تودولایی، رابی بنیامین، ۱۳۸۰، سفرنامه رابی بنیامین تودولایی، ترجمه مهوش ناطق، تهران: نشر کارنگ.
۲۰. حکیمیان، ابوالفتح، ۱۳۴۸، علویان طبرستان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
۲۲. حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی، ۱۳۸۰، زبده التواریخ (اخبار الامراء و الملوک السلجوقیه)، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی.
۲۳. حسن‌زاده، علیرضا، ۱۳۸۴، خوراک و فرهنگ، تهران: نشر مهرنامگ.
۲۴. خاقانی، بدیل بن علی، ۱۳۸۲، دیوان خاقانی شروانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: انتشارات زوار.
۲۵. خداوردیان، ک.س و دیگران، ۱۳۶۰، تاریخ ارمنستان، ترجمه ا.گرمانیک، ج ۱، تهران: بی‌نا.

۲۶. خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم، ۱۳۴۳، نوروز نامه، به کوشش علی حصوری، تهران: کتابخانه طهوری.
۲۷. خیراندیش، عبدالرسول و مجتبی خلیفه، ۱۳۸۶، «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۶ و ۵ (با تأکید بر نقش بندر تیز)»، مجله دانشگاه الزهراء، سال ۱۷، شماره ۶۵.
۲۸. دوری، عبدالعزیز، ۱۳۹۱، تاریخ بغداد، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، نرم‌افزار جغرافیای جهان اسلام.
۲۹. رحمتی، محسن و دیگران، ۱۳۹۲، «تأثیر سلجوقیان بر اوضاع تجاری-بازرگانی نیشابور»، تاریخ اسلام، سال ۱۴، شماره ۳.
۳۰. سراج، محسن و شهرام یوسفی فر، ۱۳۹۶، «نقش حکومت‌ها در ایجاد شبکه‌های آب‌رسانی کشاورزی در گستره شرقی خلافت تا حمله مغول»، تاریخ ایران، شماره ۲۲.
۳۱. قبادیانی، ناصر خسرو، ۱۳۷۳، سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتاب‌فروشی زوار.
۳۲. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، ۱۳۷۳، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۳. کسروی، احمد، ۱۳۷۷، شهریاران گمنام، تهران: انتشارات جامی.
۳۴. گردیزی، ابوسعید عبد الحی بن ضحاک ابن محمود، ۱۳۶۳، زین الاخبار، به تصحیح عبد الحی حبیبی، تهران: نشر دنیای کتاب.
۳۵. گروه، رنه، ۱۳۶۵، امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین مکیده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۶. لسترنج، گی، ۱۳۸۳، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. لمبتن، آن، ۱۳۷۲، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.

تأثير حملات ترکمانان سلجوقی و عُز بر امنیت غذایی فلات ایران

۳۸. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۳۹. محمد بن منور، ابی سعد بن ابی طاهر بن «ابی سعید میهنی»، ۱۳۷۶، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تهران: انتشارات منوچهری.
۴۰. مرسل پور، محسن، ۱۳۹۵، «نگرش قبیله‌ای ترکمانان سلجوقی و تقابل آن با الگوی ملک‌داری ایرانی»، تاریخ و فرهنگ، سال ۴۸، شماره ۹۷، صص ۱۰۴-۸۷.
۴۱. مؤمنی، محسن و دیگران، ۱۳۹۲، «ماهیت ترکمانان عراقی و رابطه آنان با ترکمانان سلجوقی»، دانشکده علوم و ادبیات انسانی دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره دوم، صص ۳۶-۱۹.
۴۲. نیشابوری، ظهیرالدین، ۱۳۳۲، سلجوق نامه، تصحیح اسماعیل افشار، تهران: کلاله خاور.
۴۳. نورائی نیا، زهره و حسن اکبری بیهق، ۱۳۹۳، «حمله غزها به خراسان و بازتاب آن در قصاید فارسی»، تاریخ ادبیات، شماره ۷۴/۳.

۴۴. Altay Köymen, Mehmet, Büyük Selçuklu İmparatorluğu'nun Kuruluşu", Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi, Cilt: XV, Sayı: ۴, Ankara, ۱۹۵۷.